

افسانه خصوصی سازی

♦♦ دکتر محمود جاساز

یکی از اساسی ترین بحث های ساختاری در اقتصاد ایران بی تردید اجرای صحیح فرآیند خصوصی سازی است که در این فرآیند باید دو هدف عمده تحت بی گرد قرار گیرد.

اول کوچک سازی دولت به مفهوم واگذاری تصدی ها و مالکیت های بخش دولتی به بخش خصوصی واقعی، دوم توسعه بخش خصوصی به معنای تقویت بخش خصوصی از طریق فراهم آوردن نهادهای حقوقی، قانونی و اعتباری و ایجاد بستر مناسب برای فعل و انفعالات و تعاملات این بخش کلیدی اقتصادی، زیرا دستیابی به اهداف توسعه پایدار بدون نقش محوری بخش خصوصی امکان ظهور نمی یابد.

امروزه یافته های علمی و تجربی کشورهای جهان در زمینه نظام اقتصادی مطلوب حاکی از آن نظامی است که بر محوریت رقابت آزاد استوار باشد. فی الواقع رقابت آزاد از مهم ترین مظاهر دموکراسی اقتصادی است بدین مفهوم که هر انسان اقتصادی از حق آزادی انتخاب برخوردار است. بهره مندی از این آزادی انگیزه های لازم را در فعالان اقتصادی منظور بیشینه سازی سود، که در فرهنگ صنعتی کشورهای توسعه یافته به عنوان یک ارزش والای انسانی و نیروی محرکه توسعه اقتصادی قلمداد می شود، پدید آورده و تقویت می کند.

بدیهی است تلاش انسان ها در جهت کسب ثروت و سود در سازوکار دموکراسی اقتصادی به زعم آنچه اسمیت، دست نامریی نامیده، هدایت و هماهنگ می شوند و عامل مهم هماهنگ کننده دادوستدهای قیمت است که در ساختارهای رقابتی بازارهای کارا تعیین می گردد.

این ساختار رقابتی که به حذف اطلاعات ناقص و مبهم از بازار می انجامد، طرفین دادوستد را در بازارها به نحوی هدایت می کند که با به حداقل رساندن هزینه های مبادله، حاشیه سود را تا حد قیودات نامریی که رقابت آزاد خلق می کند افزایش دهند. لذا رقابت آزاد در دموکراسی اقتصادی محدوده طبیعی حدود آزادی های اقتصادی را مشخص می سازد و به همین سبب مکانیسم رقابت آزاد بیان ساختار نظام اقتصاد آزاد را شکل می دهد.

حال اگر به حکم علم و تجربه بپذیریم که ساختار دولتی، ماهیتا رقابت ستیز و انحصارگر است و قادر به ایجاد بازارهای رقابتی کارا نمی باشد پس باید خصوصی سازی را به درستی اساسی ترین و مهم ترین اقدام در جهت تغییر ساختار اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد تلقی کنیم و نهادهای قانونی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی مطلوب را مهیا سازیم، زیرا جامع = [قد زیر ساخت های نهادی حقوقی و فیزیکی مناسب برای رشد و توسعه بخش خصوصی است. بدین ترتیب بیانات رییس جمهور شانی در مراسم روز صنعت و معدن دایر بر عدم وجود بخش خصوصی در ایران یک واقعیت تلخ و انکارناپذیر را آشکار می سازد که شاید به تصور بسیاری از کارشناسان قدری اغراق آمیز جلوه کند. زیرا آمارهای ارایه شده چنین القا کرده اند که تعداد کل شرکت های دولتی حدود ۲۰۰۰ واحد است که ۵۰۰ واحد از آنها در بودجه کل از ردیف بودجه ای برخوردارند، گرچه روند کنونی خصوصی سازی و موانع قانونی و نهادی که فرآوری اجرای آن قرار دارد، واگذاری همین حجم از تصدی ها و مالکیت های دولتی را تعویق امر به محال می نماید. اما باید اذعان داشت که بحران خصوصی سازی یا به بیانی دیگر تغییر ساختار اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد، فراتر از آن چیزی است که اغلب توسط منتقدان و کارشناسان مالی و اقتصادی عنوان می گردد زیرا هنوز نفوذ نظام دولت در عمق اقتصاد کشور به درستی درک نشده است.

شاید تصور این امر مشکل باشد که از تعداد کمی بیش از ۳۶۰۰ شغل احصاء شده مرتبط مرکز آمار ایران، اقتصاد دولتی سیطره تصدی گری و مالکیتی خود را بر بیش از ۳۰۰۰ شغل گسترده ساخته و فی الواقع حتی به حوزه اصناف نیز عمیقاً نافذ بوده است.

گرچه اصل ۴۴ قانون رسانی، مالکیت و تصدی دولت را بر بخش عمده ای از اقتصاد که بر آنها ذکر نام شده مستقر ساخته که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت می باشند و فعالیت بخش خصوصی را منحصر به آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات نموده که مکمل فعالیت های اقتصاد دولتی و تعاونی قرار گیرد اما مطالعه آمار منتشره سال ۸۲ مرکز آمار ایران در مورد سرشماری عمومی کارگاهی ایران حقیقت تلخی را آشکار می سازد و آن نفوذ اقتصاد دولتی بر همین فعالیت هایی است که به موجب اصل فوق در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته است.

آمار فوق حاکی است که ۵۳۱۶۴ شرکت دولتی و ۲۰۵۷۸۸ کارگاه زیر مجموعه بخش عمومی وجود دارد که صرف نظر از واحدهای کوچک کسی غیر رسمی و فردی خصوصی، فقط ۵۴۱۲۴ شرکت ثبت شده خصوصی شناسایی شده که بی تردید بسیاری از کارخانه ها یا شرکت هایی که متوقف شده اند را نیز در برمی گیرد اما حتی اگر کارگاه های زیر مجموعه بخش عمومی را هم به حساب نیاوریم، شرکت های دولتی و شرکت های خصوصی تقریباً به لحاظ تعداد برابرند ولی مقایسه وزن شرکت های دولتی از نظر میزان بزرگی سرمایه، دارایی و سرمایه در گردش با شرکت های خصوصی، درجه حفرات بخش خصوصی و آشکارا بیان می کند.

بد نیست بدانیم فقط ۶۰ شرکت دولتی به قیمت ۲۲۰۰ میلیارد تومان در لیست فروش قرار گرفته اند و ۲۵۰ شرکت از شرکت های غیر تراز اول، در اختیار دولت بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان ارزش دارند. اما به موجب اندیشیایی عملکرد شرکت های دولتی، بانک ها و بیمه ها در سال ۸۱ منتشره از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ارزش کل دارایی های ۹۵ بزرگ ترین شرکت دولتی بالغ بر ۱۳۰۷۳۲۷۲۰ میلیون ریال است که با احتساب دلار ۸۰۰۰ ریال معادل ۱۶۳۲۴ میلیارد دلار می گردد.

حال بانگهای به آمار روند خصوصی سازی که در سال ۸۰ معادل ۲۱ میلیارد تومان در سال ۸۱ معادل ۳۱۳ میلیارد تومان و سال ۸۲ برابر با ۹۷۰ میلیارد تومان و مجموعاً ۱۳۰۴ میلیارد تومان معادل ۱۶۴ میلیون دلار است در می یابیم که فرآیند خصوصی سازی در ایران به شیوه های کنونی به افسانه های شکست آور می ماند که قهرمانان آن فقط در خیال شکل می گیرند.

فقدان بخش خصوصی در ایران به تعبیر رییس جمهور خاتمی حقیقت مسلمی است که باید آن را باور داشت زیرا بخش خصوصی ایران حقیرتر از آن است که طرف واگذاری های دولتی قرار گیرد. البته این به مفهوم ناتوانی بالقوه بخش خصوصی نیست بلکه به سبب فقدان امکاناتی است که طی سال ها از این بخش فعال به شدت دریغ شده و از همه مهم تر نبود نهادهای رسمی و قانونی است که بستر رشد و شکوفایی بخش خصوصی را فراهم نکرده، نهایت امر آنکه خصوصی سازی در ایران به عمومی سازی ختم خواهد شد و از آنجایی که بخش های عمومی مهم ترین بخش اقتصادی حاکمیت را شکل می دهند، لذا اقتصاد دولتی به اقتصاد حکومتی بدل خواهد شد که نهایت آن دستیابی به نظام اقتصادی صد درصد سوسیالیستی است که تاریخ تجربه شکست آن را در مورد اتحاد جماهیر شوروی سابق به عنوان مهم ترین کشور سوسیالیستی جهان، رقم زده است. گرچه رییس جدید سازمان خصوصی سازی از ندوین چارچوب بهسازی شده جدیدی به عنوان پیش نویس لایحه قانونی خصوصی سازی ایران خبر می دهد. اما ناگفته پیداست که فرآیند خصوصی سازی با تغییر و تحول زرف ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ما گره خورده است و صرفاً تدوین یک قانون خاص به آن عینیت می بخشد و بی تردید تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی باید در طرز تفکر و نگرش و شیوه های اجرایی و الگوهای رفتاری مجموعه نظام اقتصادی شامل سازمان ها، واحدها، مدیران و کارکنان آشکار گردد تا بخش خصوصی بتواند بار اصلی اقتصاد کشور را به دوش گیرد.